

تحقیق حاضر در نظر دارد تا به میانجی رویکرد برساختی - تفسیری به کشف و بررسی زمینه‌ها و دلالت‌های معنایی روابط پیش از ازدواج جوانان و پیامدهای آن بر زندگی متأهلی در شهر سنندج بپردازد. داده‌های این مطالعه کیفی از طریق مصاحبه عمیق گردآوری شده و از روش نظریه زمینه‌ای برای تحلیل داده‌ها استفاده شده است. با کمک روش نمونه‌گیری نظری و هدفمند با ۲۱ نفر از مشارکت‌کنندگان مصاحبه گردید و نهایتاً داده‌های گردآوری شده در قالب ۱۸ مقوله محوری و یک مقوله هسته، کدگذاری و تحلیل گردید. نتایج پژوهش بیانگر آن است که جوانان پیش از ازدواج، به دلایل مشکلات عاطفی، شدت یافتن امیال جنسی و عضویت و تسهیل پذیرش در گروه دوستان به رابطه با جنس مخالف روی آورده‌اند. در این میان محرکات جنس مخالف به‌مثابه زمینه تسهیل‌گر و فُناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی به‌منزله شرایط مداخله‌گر عمل کرده‌اند. جوانان مورد مصاحبه با میانجی دو راهبرد «روابط عاشقانه» و «روابط مبتنی بر فریب» به رابطه با جنس مخالف تداوم بخشیده‌اند. بر اساس مطالعه حاضر، تجربه رابطه پیش از ازدواج، با تقویت حس نوستالژیک، پیامدهایی چون احساس تأسف، مقایسه و تنوع‌طلبی جنسی، اختلافات خانوادگی، بی‌وفایی و عدم پایداری در زندگی متأهلی را در پی داشته است. مقوله هسته «سیالیت پیوند زناشویی» ناظر بر پیامدهای رابطه پیش از ازدواج جوانان بر زندگی متأهلی می‌باشد.

■ واژگان کلیدی:

زندگی متأهلی، روابط پیش از ازدواج، تنوع‌طلبی جنسی، بی‌وفایی، روابط ضدعاشقانه.

جوانان

و روابط پیش از ازدواج

مطالعه کیفی زمینه‌ها، تعاملات و پیامدهای آن

امید قادرزاده

دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه کردستان
ogh1355@gmail.com

فردین محمدی

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصاد و توسعه دانشگاه فردوسی مشهد
fsheta.fardin@gmail.com

حسین محمدی

کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز
hosaeinmohammai@gmail.com

مقدمه و بیان مسئله

رابطه پیش از ازدواج، یکی از پدیده‌های اجتماعی - فرهنگی جدیدی است که در سال‌های اخیر صورت گسترده‌ای در جامعه پیدا کرده است. پدیده مذکور در دهه‌های گذشته (قبل از انقلاب) صرفاً میان طبقات بالای شهر، آن هم در شهرهای بزرگ به‌طور محدود دیده می‌شد، اما با شکل‌گیری انقلاب اسلامی و تأکید بر ارزش‌های اسلامی چنین روابطی نفی گردید. در اوایل دهه هفتاد همراه با دگرگونی‌های ساختی مانند گسترش شهرنشینی، صنعتی شدن، افزایش میزان سواد، مشارکت زنان در اجتماع، گسترش کمی و کیفی وسایل ارتباط جمعی، این پدیده به شکلی نو از بطن تعامل اجتماعی جوانان مجدداً پدیدار شد. (موحد و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۴۷)

با وجود اینکه روابط اجتماعی جوانان قبل از ازدواج در تقابل با هنجارهای سنتی، مذهبی و فرهنگی جامعه ایران به‌شمار می‌رود، اما برخی شواهد در سال‌های اخیر دلالت بر رواج روزافزون این گونه روابط در بین جوانان دارد. بر مبنای شواهد و تحقیقات مرتبط، بیش از نیمی از دختران دانشجوی در تهران تجربه معاشرت و دوستی با جنس مخالف پیش از ازدواج را داشته‌اند و حدود یک‌چهارم نیز ارتباط نزدیک‌تر (تماس جنسی) را قبل از ازدواج تجربه کرده‌اند. همچنین در تهران بین ۲۰ تا ۶۰ درصد افراد گروه سنی ۱۸-۱۴ سال اغلب به‌طور پنهانی و بدون رضایت خانواده ارتباط عاطفی و ارتباط پیشرفته (رابطه فیزیکی و جنسی) برقرار می‌کنند. (خلج‌آبادی‌فراهانی و دیگران، ۱۳۹۲: ۸) علاوه بر این، تحقیقات موجود نشان از تغییر کیفی (بازتولید رابطه با جنس مخالف به شکل‌های مختلفی چون روابط هم‌خانگی، ضدعاشقانه، روابط مبتنی بر عشق سیال) (آزادارمکی و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۸-۲۶) و کمی روابط عاطفی و پیشرفته (گسترش روابط با چندین نفر هم‌به‌طور هم‌زمان و هم در طول زمان) دارد. (خلج‌آبادی‌فراهانی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۳)

رابطه پیش از ازدواج پیامدهای متعددی در سطوح فردی و اجتماعی دارد. از پیامدهای محتمل رابطه و معاشرت با جنس مخالف، افزایش میانگین سن ازدواج، کاهش تمایل به ازدواج و افزایش تجرد قطعی است. نکته حائز اهمیت آن است که بخشی از جوانان مذکور پس از دوره‌ای طولانی و پُرفراز و نشیب و تجربه معاشرت با جنس مخالف، ازدواج می‌نمایند. نتایج تحقیقی که بر روی دانشجویان شهر تهران که به‌تازگی متأهل شده‌اند نشان می‌دهد که ۴۷/۷ درصد از زنان و ۴۸/۷ درصد از مردان معاشرت عاطفی و ۱۱/۶ درصد از زنان و ۲۰/۳ درصد از مردان معاشرت پیشرفته (فیزیکی و جنسی) قبل از ازدواج

را تجربه نموده‌اند. (خلج‌آبادی‌فراهانی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۲)

نکته حائز اهمیت این است که روابطی از این دست مختص شهرهای بزرگ و کلان شهرها نیست و شواهدی از آن در شهرهای دیگر از جمله میدان مورد مطالعه (سنندج) دیده می‌شود. شهر سنندج، مرکز استان کردستان، به‌رغم آنکه در زمره شهرهای بزرگ و صنعتی به‌شمار نمی‌رود، لیکن در دو دهه اخیر به دلایل رشد سریع میزان شهرنشینی به‌واسطه مهاجرت و رشد طبیعی جمعیت، تغییرات ساختی و ترکیبی جمعیت و افزایش جوانی جمعیت، نوسازی آموزشی و افزایش مراکز آموزشی و دانشگاهی و رشد قشرهای میانی و متوسط (نایی و محمدی تلور، ۱۳۹۲: ۱۵۱)، موقعیت مرزی و رشد تبادلات تجاری مرزی به‌منتهای بخشی از پروژه جهانی شدن سرمایه و افزایش مراودات اقتصادی، رشد پاساژها و مراکز خرید، ورود عناصر ناهم‌ساز فرهنگی به‌واسطه نفوذ و گسترش فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی بیشتر تحت تأثیر امواج مدرنیته و فرایند جهانی شدن قرار گرفته است. (محمدی و دیگران، ۱۳۹۱: ۳) شهر سنندج در چند سال اخیر نیز از نظر بافت فرهنگی و قومی بسیار ناهمگون شده است. (محمدپور و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۶۰) زمینه‌های مذکور بیش از هر چیزی با خود تغییراتی در منابع هویت‌بخش (کم‌رنگ شدن توان هویت‌بخشی منابع هویت‌بخش دینی، قومی و ملی در میان جوانان)، سبک زندگی و گذران فراغت (فردی شدن و انتخابی شدن سبک‌های زندگی)، ذائقه و سلیقه و جهت‌گیری‌های ارزشی و کنشی افراد جوان به‌ویژه در ارتباط با ارزش‌های زناشویی، ترجیحات نوین همسرگزینی و رواج روابط پیش از ازدواج به‌دنبال داشته است. نتایج پژوهشی که بر روی دانشجویان شهر سنندج در سال ۱۳۹۱ درخصوص میزان پایبندی به شیوه‌های ازدواج به‌انجام رسیده است، نشان‌دهنده تفاوت‌های نگرشی و ارزشی در مورد پایبندی به فرهنگ ازدواج در میان دانشجویان روستایی با شهری است. (محمدپور و دیگران، ۱۳۹۱) بر این اساس، پژوهش حاضر درصدد است تفاسیر و دلالت‌های معنایی رابطه پیش از ازدواج را در میان بخشی از جوانان شهر سنندج مورد کندوکاو قرار دهد. موضوع مورد نظر به میانجی پرسش‌های زیر احصاء می‌شود: شرایط و زمینه‌های رابطه پیش از ازدواج از منظر جوانان کدام‌اند؟ درک و ارزیابی جوانان از تجربه رابطه با جنس مخالف چگونه است و چه مواجهه‌ای با آن داشته‌اند؟ رابطه پیش از ازدواج چه پیامدهای بر زندگی متأهلی جوانان داشته است؟

مروری بر ادبیات تجربی

در جوامع غربی متأثر از زمینه‌های خاص فرهنگی و اجتماعی، تحقیقات مرتبط با روابط قبل از ازدواج عمدتاً معطوف به پیامدهای پزشکی مانند بیماری ایدز بوده است (شیو^۱، ۲۰۱۰) و پیامدهای رابطه دوستی با جنس مخالف بر زندگی متأهلی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در تحقیقی براون^۲ و همکاران (۲۰۰۶)، نقش و پیامد هم‌خانگی قبل از ازدواج بر زندگی جوانان متأهل در لوئیزیانا را مورد بررسی قرار دادند. نتایج بیانگر آن بود که این روابط بر موفقیت و کامیابی زندگی جوانان متأهل، پیامدهای زیان‌آوری همچون کاهش کیفیت زندگی، بی‌ثباتی و طلاق در پی داشته است. در پژوهشی دیگر الکساندر^۳ و همکاران (۲۰۰۶)، شکل روابط با جنس مخالف در بین جوانان هندوستان را مورد بررسی قرار دادند. نتایج این پژوهش نشان داد که بسیاری از جوانان در تعامل با جنس مخالف، استراتژی‌های تقریباً یکسانی همچون داشتن شریک عاشقانه، تجربه دست گرفتن، بوسیدن و داشتن رابطه جنسی در پی گرفته‌اند. از دیگر نتایج این پژوهش آن بود که شکل دوستی با جنس مخالف به روابط صمیمانه فیزیکی منجر می‌شود و برای افرادی که رابطه جنسی را تجربه کرده‌اند، مدت زمان آشنایی تا تجربه رابطه جنسی بسیار کوتاه است. در تحقیقی دیگر، کوهن و منینگ^۴ (۲۰۱۰) بسترها و زمینه‌های رابطه هم‌خانگی سریالی قبل از ازدواج را به‌لحاظ تأثیر آن بر ازدواج و پیامدهای آن با استفاده از روش آزمایش در بین جوانان ۱۶ تا ۳۰ ساله بررسی نمودند. نتایج بیانگر آن بود که جوانان از هم‌خانه‌های‌شان انتظارات بسیار اندکی دارند و همین امر سبب می‌شود که تعداد اندکی از جوانان قبل از ۳۰ سالگی ازدواج کنند و این امر منجر به افزایش سن ازدواج شده است. همچنین زنانی که قبل از ازدواج هم‌خانه‌های بیشتری داشته‌اند با پیامدهای غم‌انگیز بیشتری در زندگی مواجه شده‌اند و با هم‌خانه‌های بعدی (از جمله شوهرشان) توافق کمتری دارند. همچنین نتایج تحقیق وی^۵ و همکاران (۲۰۱۲) و قانی^۶ و همکاران (۲۰۱۴) بیانگر آن است که اگرچه رابطه با جنس مخالف با ارزش‌ها و هنجارهای جوامع غربی مغایرتی ندارد، اما پیامدهای آن از قبیل افزایش شدید فرزندان نامشروع، والدین

1. Chiao
2. Brown
3. Alexsnder
4. Cohen & Maning
5. Wie
6. Ghani

مجرد، فرزندان بی‌سرپرست و تک‌سرپرست و خطر ابتلا به بیماری ایدز موجب نگرانی این جوامع شده است.

در داخل کشور نیز پژوهش‌های اندکی در زمینه موضوع تحقیق حاضر انجام شده است که در ذیل به مهم‌ترین آنها اشاره می‌گردد. نتایج تحقیق پیمایشی موحد و همکاران (۱۳۸۵)، بیانگر آن بود که اکثر دانشجویان نسبت به داشتن رابطه با جنس مخالف نگرشی میانه دارند. از میان متغیرهای مورد بررسی متغیرهای فرهنگی تأثیر بیشتری بر نگرش دانشجویان داشتند. نتایج تحقیق پیمایشی خلج‌آبادی‌فراهانی و مهریار (۱۳۸۹) بیانگر آن بود که حدود نیمی از دختران ارتباطات دوستی با جنس مخالف را تجربه نموده‌اند و در بین این گروه کمتر از یک چهارم نوعی تماس جنسی و حدود یک‌دهم نزدیکی کامل جنسی را تجربه نموده‌اند. نتایج تحلیل آماری نیز نشان داد کنترل سخت‌گیرانه والدین در دوران بلوغ، نگرش آزادانه والدین و احترام کم به نظرات والدین مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های دوستی با جنس مخالف در سطح خانواده بودند. آزاد آرمکی و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهش خود الگوهای روابط جنسی پیش از ازدواج در ایران را در قالب روابط آزاد (الگوهای روسپی‌گری)، روابط صیغه‌ای، روابط دوست دختر - دوست پسر، روابط هم‌خانگی (پیدایش مجردان متأهل)، روابط ضدعاشقانه (الگوهای فریب) و روابط مبتنی بر عشق سیال تقسیم‌بندی کردند. نتایج تحقیق کیفی آزادارمکی و شریفی‌ساعی (۱۳۹۰) بیانگر آن بود که مواردی مانند احساس نیاز، حس کنجکاو و کسب تجربه، شبکه روابط اجتماعی و گروه‌های دوستی، بیکاری، شرایط اقتصادی، فشار فرهنگی، افزایش سن ازدواج، افزایش تکنولوژی‌های ارتباطی نوین و پیدایش ارزش‌های فرهنگی در جامعه از جمله مهم‌ترین عوامل پیدایش و گسترش این روابط هستند. نتایج تحقیق پیمایشی رفاهی و همکاران (۱۳۹۱) نیز نشان داد که عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی بر شکل‌گیری رابطه دوستی پیش از ازدواج تأثیر معناداری دارند.

نتایج تحقیق پیمایش زارع شاه‌آبادی و سلیمانی (۱۳۹۱) بیانگر آن بود که گرایش به رابطه پیش از ازدواج با درآمد خانواده و تحصیلات پدر و سن فرد رابطه مستقیم و با سطح دینداری، روابط حسنه با والدین و معدل دانشگاه رابطه معکوس دارد. نتایج تحقیق پیمایشی خلج‌آبادی‌فراهانی (۱۳۹۱) نیز بیانگر آن بود که تجربه معاشرت قبل از ازدواج در بین افراد تحصیل‌کرده در شرف طلاق به‌طور معنی‌داری بیشتر از افراد تحصیل‌کرده همسردار است. دیگر نتایج تحقیق بیانگر آن بود که احتمال خام طلاق در افرادی که

قبل از ازدواج روابط پیشرفته با غیر همسر داشته‌اند ۳/۶۳ برابر بیشتر از افرادی است که چنین تجربه‌ای نداشته‌اند. نتایج پژوهش پیمایشی سیدان و نجفی‌نژاد (۱۳۹۱) حاکی از آن است که حدود ۴۶ درصد از دختران نسبت به روابط نگرش مثبت، ۳۲ درصد نگرش خنثی و ۲۲ درصد نگرش منفی دارند. دیگر نتایج این پژوهش بیانگر آن بود که عوامل خانواده، دوستان، اعتقادات و پایبندی دینی، سبک زندگی و پایگاه اقتصادی و اجتماعی با نگرش دختران به رابطه با جنس مخالف رابطه معناداری دارد. نتایج تحقیق پیمایشی دل‌آور و احمدی (۱۳۹۱) نیز بیانگر آن بود که میزان ارتباط با جنس مخالف با جنس، سن، استفاده از تلفن همراه و ماهواره رابطه معناداری دارد. نتایج تحقیق کیفی فتحی و همکاران (۱۳۹۲) بیانگر آن بود که میزان بی‌وفایی مردان در مشاغلی که ارتباط زیادی با جنس مخالف دارند، بیشتر است و بی‌وفایی زنان بیشتر در ده سال اول ازدواج آنها اتفاق افتاده است. همچنین مقولات به‌دست آمده از تحلیل داده‌ها نشان داد که سه عامل فردی، خانوادگی، زناشویی و اجتماعی مانند تأثیر دوستان، مشاغلی که ارتباط زیادی با جنس مخالف دارند، ماهواره و فیلم‌های مستهجن، نقش تسهیل‌گیری اینترنت و تلفن همراه، تنوع‌طلبی و هیجان‌خواهی از عوامل زمینه‌ساز بی‌وفایی مردان به‌شمار می‌آیند. نتایج تحقیق کیفی نیازی و پرنیان (۱۳۹۳) نیز بیانگر آن است که در میدان مورد مطالعه، شش سنخ ارتباط با جنس مخالف در بین دختران وجود دارد که شامل روابط ناب، روابط مصلحتی، روابط هم‌بالینی، روابط ازدواج‌محور، روابط ابزاری و روابط سیال‌اند.

مروری بر ادبیات تجربی مرتبط با پژوهش حاضر، مؤید غلبه نوعی رویکرد اتیک^۱ (نگاه از بیرون) به مسئله مورد نظر است. همچنین پیامدهای این نوع رابطه عمدتاً معطوف به دوران مجردی بوده است و کمتر به پیامدهای این پدیده در دوران بعد از ازدواج پرداخته شده است. در حالی که تحقیق حاضر با استفاده از رویکرد امیک^۲ و از نقطه‌نظر افراد درگیر (نگاه از درون) به بازسازی معنایی دلایل، زمینه‌های رابطه پیش از ازدواج و پیامدهای آن بر زندگی متأهلی می‌پردازد.

چارچوب مفهومی پژوهش

یکی از وجوه تمایز پژوهش‌های کمی و کیفی در شیوه به‌کارگیری و استفاده آنها از مفاهیم نظری است؛ بدین معنا که تحقیقات کمی بیشتر بر پایه آزمون فرضیات مستخرج‌شده از

1. Etic
2. Emic

چارچوب نظری هدایت می‌شوند، اما در پژوهش کیفی از نظریه در جهت صورت‌بندی سؤالات پژوهش، شناسایی مفاهیم حساس و ارتقای حساسیت نظری که راهنمای مراحل مختلف تحقیق است، بهره گرفته می‌شود. اشتراوس و کوربین^۱ (۱۳۹۱) نیز معتقدند تحقیقات کیفی، پژوهش‌هایی اکتشافی‌اند، بنابراین محقق از همه مقولات مناسب و مربوط به نظریه‌اش آگاهی قبلی نخواهد داشت و عموماً بعد از اینکه مقوله‌ای آشکار شد ممکن است بخواهد به متون تخصصی مراجعه نماید و ببیند آیا این مقوله در آنجا یافت می‌شود یا نه و اگر وجود دارد سایر محققان درباره‌اش چه نظری دارند؟ بر این اساس، پژوهش حاضر بر نظریات و مفاهیم نظری قابلیت ارجاع و استناد مبتنی است که در زیر بدان‌ها پرداخته می‌شود:

رویکرد نظری هدایتی در پژوهش حاضر، رویکرد کنش متقابل نمادین و تفسیرگرایی است. این رویکرد ضمن تأکید بر سطوح خرد زندگی اجتماعی، پدیده‌های اجتماعی را در چارچوب نظام معنایی و تعاملات اجتماعی مفهوم‌سازی می‌کند. نظریه کنش متقابل نمادین، بر این مسئله تمرکز دارد که مردم چه معناهایی را برای کنش متقابل با دیگران یافته‌اند، چگونه این معانی ایجاد شده‌اند و افراد چگونه با همدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و چگونه مردم دنیای اطرافشان را معنادار می‌سازند. بر این اساس، پنداشت عامه، هدایت‌گر افراد در زندگی روزمره است و از آن برای تبیین و سازماندهی رویدادها در زندگی روزمره بهره گرفته می‌شود. پنداشت عامه حاوی معانی است که افراد در تعاملات اجتماعی روزمره آن را به کار می‌گیرند. پنداشت عامه یک منبع شناختی اساسی برای افراد است. فهم عامه و معنای واقعیت از جهت‌گیری عمل‌گرایانه و مجموعه‌ای از مفروضات در باب جهان‌نشت می‌گیرد. (نیومن^۲، ۱۹۹۷: ۷۱) در چارچوب رویکرد کنش متقابل نمادین، رابطه با جنس مخالف به مثابه یک امر فرهنگی و زمینه‌ای و در چارچوب فهم کنشگران از موقعیت و بافت اجتماعی درک می‌شود. کنش فرد ناشی از نظام معنایی فرد و تعریف وی از موقعیت است. (آزادارمکی، ۱۳۸۶: ۱۸)

نظریه دگرگونی فرهنگی و ارزشی اینگلههارت^۳ یکی از نظریاتی است که می‌توان در این پژوهش به آن استناد نمود. اینگلههارت در چارچوب نظریه دگرگونی فرهنگی و ارزشی، به دنبال فهم چگونگی و چرایی تغییر و تحولات فرهنگی و ارزش‌ها و نگرش‌های جوامع

1. Strauss & Corbin
2. Neuman
3. Inglehart

است. اینگلهارت درباره تغییر فرهنگ‌ها بر این باور است که هر فرهنگ رهیافت مردم را در تطابق با محیط‌شان نشان می‌دهد و این رهیافت در بلندمدت به دگرگونی‌های سیاسی، اقتصادی و تکنولوژی پاسخ می‌دهد. جهان‌بینی مردم تنها به آنچه بزرگ‌ترهای‌شان به آنها می‌آموزند بستگی ندارد، بلکه جهان‌بینی آنها با تجارب کلی زندگی‌شان شکل می‌گیرد و گاهی تجارب سازنده یک نسل جوان عمیقاً از تجارب نسل گذشته متفاوت است. هر چند اینگلهارت بر تأثیر تغییرات تکنولوژیک و اقتصادی در تغییرات نگرشی و ارزشی جوامع تأکید بیشتری می‌کند، اما از نقش عامل دیگری نیز سخن به میان می‌آورد که خود آن را میراث فرهنگی و اجتماعی جوامع می‌نامد. به‌طور کلی رهیافت نظریه‌پردازی او دو سطح سیستم (ساختاری جامعه) و سطح خرد (افراد) را مدنظر قرار می‌دهد. بدین شکل که تغییرات محیطی و کلان در سیستم جامعه به دگرگونی‌هایی در سطح فردی انجامیده و این دگرگونی‌ها در سطح خرد دارای پیامدهایی برای سیستم می‌باشد. (اینگلهارت، ۱۳۸۲: ۲۲۲)

نظریه دیگری که در پژوهش حاضر قابل ارجاع می‌باشد، نظریه عشق سیال^۱ است. زیگمونت باومن^۲ در چارچوب نظریه عشق سیال، معتقد است که واقعیت اجتماعی «سیال» است و جهان هستی پست‌مدرنیته، جهان «بی‌قاعدگی» است. «پست مدرنیته همه محدودیت‌های آزادی را غیرقانونی اعلام می‌کند و هم‌زمان با آن حتمیت اجتماعی را از صحنه خارج می‌سازد و عدم قطعیت اخلاقی را قانونی می‌کند. (باومن، ۱۳۸۷: ۳۳) وی در کتاب عشق سیال به بررسی روابط انسانی میان زنان و مردان می‌پردازد و بر شکنندگی این پیوندهای انسانی در دوران مدرن تأکید می‌کند. در دنیای امروز «رابطه» از داغ‌ترین بحث‌ها است. باومن در این راستا نشان می‌دهد چگونه در جامعه مدرن روان‌شناسی و بازار، انسان‌ها را به‌سوی ایجاد پیوندهای سست سوق می‌دهند که از این پیوندها تحت عنوان «عشق سیال» نام می‌برد. در عصر حاضر زنان و مردان به‌شدت محتاج به «ایجاد رابطه»‌اند، اما در عین حال از آن هراس دارند که این ارتباط برای همیشه باقی بماند و این ارتباط همیشگی آنها را مجبور به تحمل فشارهایی کند که آزادی آنها را سلب نماید. انسان‌های امروزی روابط را می‌خواهند، اما تنها با خوبی‌های آن و نه با مشکلاتش. در جامعه سیال مدرن، افراد به‌جای پیوندهای ناگسستنی و همیشگی خواهان پیوندهای

1. Liquid Love

2. Bauman

سست و بی‌قید و بند هستند. (باومن، ۱۳۸۷: ۱۱-۱۰) با توجه به آنکه قوای نیرومند بازار مصرفی، عمل بر اساس خواسته‌ها را به‌جزئی از رفتار روزانه تبدیل کرده است، مردم جامعه سیال مدرن، رابطه را نوعی سرمایه‌گذاری می‌دانند و به دلایل سوداگرایانه مانند کمک سریع در هنگام نیاز، یاری در هنگام اندوه، همراهی در تنهایی، تسلی در هنگام شکست، تحسین هنگام پیروزی، فرار از ناراحتی و ارضای سریع یک نیاز مانند نیاز جنسی با دیگران رابطه برقرار می‌کنند و در این رابطه انتظار دستیابی به سود را دارند. (باومن، ۱۳۸۷: ۳۷) به‌زم باومن، سرمایه‌گذاری در رابطه خطرناک است، زیرا یک رابطه هم دارای جنبه‌های مثبت و هم جنبه‌های منفی است و نمی‌توان رابطه را تنها تا زمانی خواست که برای فرد مطبوع باشد. اکثر اوقات این جنبه‌های خوب و بد هم‌زمان در رابطه وجود دارند. در موقعیت سیال مدرن، روابط شاید شایع‌ترین نمونه ناهمخوانی، تناقض و چندگانگی‌اند. (باومن، ۱۳۸۷: ۱۵)

۱۵

والتر بنیامین^۱، معتقد بود که متن بر تجربه تأثیر می‌گذارد (بنیامین، ۱۳۷۷: ۳۰) و تجربه افراد در خاطره آنها قرار گرفته و در تفسیر و خوانش آنها در تجربه‌های بعدی مانند خوانش پدیده‌های فرهنگی و کنش اجتماعی تأثیر می‌گذارد. طرح کلی بنیامین آن است که بین تجربه و نمادگرایی فرهنگی رابطه‌ای برقرار کند، زیرا بر این باور بود که درک و حس مکان‌ها از احساسات، خاطرات و تجربیات شخصی تفکیک‌ناپذیر است، زیرا خاطرات مردم با تجربه آنان از محیط فیزیکی ارتباط نزدیکی دارد. البته بنیامین معتقد بود که در هر متن فرهنگی و هنری یک نوع معنای عینی نهفته است و آنها را به‌مثابه پدیده‌های عینی مستقرشده در پدیده‌های خاص فرهنگی مورد بررسی قرار می‌داد. وی معتقد بود که این معنای عینی که در قالب‌ها و فرهنگ‌ها نمود یافته است، نه تنها باید از سوی انسان‌ها کشف و درک شوند، بلکه باید تفسیر مردم از این مصنوعات فرهنگی نیز فهم شود. (ساوج و وارد^۲، ۱۳۸۷: ۱۸۸-۱۸۷)

از دیگر نظریه‌های راهگشا در پژوهش حاضر در جهت شناسایی مفاهیم حساس نظری، نظریه مبادله است. بر مبنای نظریه مبادله، رابطه با جنس مخالف خارج از چارچوب قواعد پذیرفته‌شده فرهنگی به‌عنوان یک مبادله بین دو جنس در نظر گرفته می‌شود. بر مبنای این نظریه، محیطی که رفتار در آن رخ می‌دهد (محیط اجتماعی و یا محیط طبیعی)

1. Benjamin
2. Savage & Varde

تحت تأثیر رفتار قرار می‌گیرد و آن به‌نوبه خود به روش‌های گوناگون بازخورد دارد. این واکنش (مثبت، منفی و خنثی) بر رفتار بعدی کنشگر تأثیرگذار است و اگر این واکنش برای کنشگر پاداش داشته باشد، احتمالاً همان رفتار در آینده در موقعیت‌های مشابه تکرار می‌شود. اگر این واکنش برای کنشگر، آسیب، تنبیه یا پیامد منفی داشته باشد، احتمال رخداد آن در آینده کمتر است. (ریتزر^۱، ۱۳۸۵: ۲۳۶) بنابراین در نظریه مبادله رفتار انسان‌ها مبتنی بر مدل‌های اقتصاد و سود و زیان در بازار است، یعنی خواهان حداکثر پاداش و حداقل هزینه هستند. (کوزر و روزنبرگ^۲، ۱۳۸۷ و اسکیدمور^۳، ۱۳۸۵: ۸۳-۷۹) ادبیات نظری و تجربی هدایت‌گر در این پژوهش مؤید آن است که تغییرات فرهنگی (نظریه تحول فرهنگی اینگلهارت)، معانی ذهنی و تفسیر کنشگران از موقعیت و بسترهای اجتماعی و فرهنگی (نظریه کنش متقابل نمادین) و تجارب زیسته کنشگران (نظریه بنیامین) در سطح خُرد، مناسبات و تعاملات اجتماعی افراد را با یکدیگر (در اینجا با جنس مخالف) دستخوش تغییر ساخته است. از جمله این تغییرات کیفی می‌توان به شدت یافتن رویکرد سود و منفعت بر تعاملات اجتماعی و ابزاری شدن تعاملات (نظریه مبادله) و تمایل به برقراری روابط فارغ از تعهد (نظریه عشق سیال باومن) اشاره نمود. استحاله روابط اجتماعی با جنس مخالف پیامدهای متناقض (نظریه عشق سیال باومن) بر افق ذهنی و جهان‌پدیداری کنشگران اجتماعی در پی دارد. با نظر به ماهیت اکتشافی روش‌شناسی کیفی، پژوهش حاضر به دنبال واکاوی زمینه‌ها و بسترهای موجهه رابطه با جنس مخالف از منظر جوانان، درک و ارزیابی آنان از تجربه رابطه با جنس مخالف و پیامدهای آن بر مناسبات فردی و اجتماعی آنان می‌باشد.

روش‌شناسی

انتخاب روش پژوهش در راستای تولید و تحلیل داده‌ها به مسئله پژوهش و اهداف آن بستگی دارد. در این پژوهش جهت دستیابی به پاسخ مسئله و اهداف پژوهش از نظریه زمینه‌ای^۴ استفاده گردید. نظریه زمینه‌ای، یک روش استقرایی است که تئوری از اطلاعات یا زمینه‌ای که اطلاعات در آن وجود دارد، ساخته می‌شود. به‌علاوه مفهوم‌سازی

-
1. Ritzer
 2. Coser & Rosenberg
 3. Skidmore
 4. Grounded Theory

و عملیاتی کردن داده‌ها همزمان با گردآوری داده‌ها و تحلیل اولیه آنها اتفاق می‌افتد. (نیومن، ۲۰۰۶: ۸۹) بنابراین نظریه زمینه‌ای از یک مجموعه منظم از گردآوری داده و فرایندهای تحلیل به‌منظور توسعه یک نظریه استقرایی مشتق از داده استفاده می‌کند. (اواس^۱، ۲۰۰۱: ۶۵۵) در نظریه زمینه‌ای هنگام گردآوری داده می‌توان از روش‌های مختلفی مانند مصاحبه، مشاهده و اسناد نوشتاری استفاده کرد (رینتالا^۲ و دیگران، ۲۰۱۴: ۱۴)، اما ارائه یک نظریه زمینه‌ای مناسب مستلزم گردآوری داده‌های متنی - مصاحبه‌ای عمیق است. لذا در پژوهش حاضر جهت گردآوری داده از تکنیک مصاحبه عمیق استفاده شد. مشارکت‌کنندگان در این پژوهش، مردان متأهل شهر سمنجانند که رابطه دوستی با جنس مخالف را در دوران قبل از ازدواج تجربه نموده‌اند. جهت انتخاب نمونه‌ها نیز از روش نمونه‌گیری هدفمند^۳ و در راستای گردآوری داده‌های مناسب از روش نمونه‌گیری نظری^۴ استفاده گردید. نمونه‌گیری نظری فرایند گردآوری داده‌ها برای تولید نظریه است که به آن وسیله تحلیل‌گر به‌طور هم‌زمان داده‌های خود را گردآوری، گذرانداری و تحلیل کرده و در مورد داده‌هایی که بعداً گردآوری می‌شوند و نیز محل یافتن آنها تصمیم می‌گیرد، تا نظریه خود را آن‌طور که خودش ظهور می‌یابد، توسعه دهد. (گلاسر و اشتراوس^۵، ۱۹۶۷: ۴۵) جهت تعیین حجم نمونه نیز از معیار اشباع نظری^۶ استفاده گردید. اشباع نظری به این معنا است که در فرآیند گردآوری داده‌ها هیچ داده جدیدی پیدا نشده است که محقق به‌وسیله آن بتواند ویژگی‌های مقوله را توسعه دهد. به تدریج محقق مطمئن می‌شود که مقوله‌های او اشباع شده‌اند و از جستجو برای دستیابی به داده جدید و تنوع داده‌ها دست می‌کشد. (گلاسر و اشتراوس، ۱۹۶۷: ۶۱) در پژوهش حاضر پس از انجام ۲۱ مصاحبه اشباع نظری حاصل گردید.

پس از بررسی مصاحبه‌ها، تحلیل داده‌ها در قالب مراحل سه‌گانه گذرانداری باز، محوری و گزینشی انجام گردید. جهت شناسایی مقوله هسته از «داستان توصیفی»^۷ استفاده گردید. در این تکنیک محقق با غوطه‌ور شدن در داده‌های گردآوری شده، داستانی در باب پدیده

1. Eaves
2. Rintala
3. Purposive Sampling
4. Theoretical Sampling
5. Glaser & Strauss
6. Theoretical Saturation
7. Descriptive Story

مورد مطالعه می‌نویسد و به چిستی پژوهش می‌پردازد و اندیشه‌هایش را در این زمینه بیان می‌کند. تکرار این امر موجب پدیدار شدن «داستانی توصیفی» درباره پدیده مورد بررسی می‌شود. محقق در هنگام بیان اندیشه‌ها به جای رصد جزئیات، دنبال معنای کلی چيستی پژوهش است. بعد از نوشتن «داستان توصیفی» تحلیل‌گر باید آن را مورد واکاوی قرار دهد و مقوله‌ای را که به صورت فراوان تکرار شده است و سایر مقولات به آن مرتبطاند (یعنی مرکزی است) و چيستی پژوهش را نشان می‌دهد، به عنوان «مقوله هسته» انتخاب کند. به طور کلی، محقق با استفاده از تکنیک «داستان توصیفی» به گوهر پژوهش خود دست می‌یابد و مقوله‌ای که اندیشه کانونی داستان توصیفی را تشکیل می‌دهد، همان مقوله مرکزی یا مقوله هسته است. (اشتراوس و کوربین، ۱۳۹۱: ۱۷۰-۱۶۹)

در این پژوهش برای رسیدن به معیار قابلیت اعتماد، از سه تکنیک متعارف بهره گرفته شد:

کنترل یا اعتباریابی توسط اعضا: در این روش از مشارکت‌کنندگان خواسته شد تا یافته‌های کلی را ارزیابی کرده و در مورد صحت آنها نظر دهند.

مقایسه‌های تحلیل: در این روش به داده‌های خام رجوع گردید تا ساخت‌بندی نظریه با داده‌های خام مقایسه و ارزیابی گردد.

استفاده از تکنیک ممیزی^۱: در این زمینه، چند متخصص در کار نظریه زمینه‌ای، برای مراحل کدگذاری، مفهوم‌سازی و استخراج مقولات، نظارت داشتند.

مشخصات کلی مصاحبه‌شوندگان

میدان مورد مطالعه در این پژوهش شامل ۲۱ نفر از مردان متأهل شهر سنندج است که رابطه پیش از ازدواج را تجربه نموده‌اند. به لحاظ سن نیز دامنه سنی آنها بین ۲۸ تا ۳۴ سالگی قرار داشت که بیشترین افراد ۳۰ سال داشتند. به لحاظ تحصیلات نیز مشارکت‌کنندگان دارای مدارک تحصیلی دیپلم، کارشناسی و کارشناسی ارشد بودند. به لحاظ شغلی نیز دارای مشاغل آزاد، دبیری، مشاغل ورزشی و کارمندی بودند. مشارکت‌کنندگان در دوران قبل از ازدواج به طور میانگین با بیش از چهار نفر رابطه دوستی داشته‌اند و اکثراً قبل از ازدواج از تجربه تماس جسمی و جنسی برخوردار بودند. میانگین سابقه ازدواج مشارکت‌کنندگان نیز سه سال بوده است.

جدول ۱: مشخصات مصاحبه‌شوندگان

ردیف	سن	تحصیلات	شغل
۱	۳۱	کارشناسی	آزاد (فروشنده موبایل)
۲	۳۰	کارشناسی	مدرس زبان خارجه
۳	۳۰	کارشناسی	آزاد (کافی‌نت)
۴	۲۹	کارشناسی	آزاد (کفش فروشی)
۵	۲۹	کارشناسی	پوشاک فروش
۶	۳۰	دیپلم	آزاد (لوازم آرایشی)
۷	۳۰	دیپلم	مسئول باشگاه ورزشی
۸	۳۳	دیپلم	لوازم خانگی
۹	۳۱	کارشناسی ارشد	کارمند
۱۰	۳۰	کارشناسی	آزاد (سوپری)
۱۱	۲۹	کارشناسی ارشد	دبیر
۱۲	۳۱	دیپلم	راننده
۱۳	۳۰	دیپلم	آزاد
۱۴	۳۴	کارشناسی ارشد	کارمند دفترخانه
۱۵	۳۲	کارشناسی	کارمند بانک
۱۶	۳۳	کارشناسی	کارمند شرکت خصوصی
۱۷	۳۰	کارشناسی ارشد	کارمند قراردادی
۱۸	۳۱	کارشناسی	آزاد (سوپری)
۱۹	۳۲	کارشناسی ارشد	مهندس کشاورزی
۲۰	۲۸	کارشناسی ارشد	دبیر
۲۱	۲۹	کارشناسی	آزاد (بوتیک)

داده‌ها و یافته‌ها

بسترها و زمینه‌های ارتباط پیش از ازدواج

منظور از شرایط و بسترهای ارتباط پیش از ازدواج، مجموعه شرایطی است که زمینه‌ساز، تأثیرگذار و تقویت‌کننده شکل‌گیری و برقراری رابطه می‌باشند. اینکه چه شد رابطه با

جنس مخالف به بخش جدایی ناپذیری از زیست‌جهان مشارکت‌کنندگان میدان مورد مطالعه مبدل شده است. بر این اساس یافته‌های تحقیق در رابطه با شرایط در ۵ مقوله گدبندی شده‌اند تا بر مبنای آن، بسترهای رابطه با جنس مخالف از منظر مشارکت‌کنندگان بازسازی معنایی شود.

جدول ۲: مقوله‌های بُعد شرایطی

ردیف	مفاهیم	مقوله
۱	کمبود محبت، تنهایی، فقدان همدلی	مشکلات عاطفی
۲	الگوپذیری از دوستان، تأثیرپذیری، رقابت، کسب منزلت، احساس حقارت	گروه دوستان
۳	پوشش نامناسب دخترها، آرایش محرک، اشارات جنس مخالف، درخواست مستقیم جنس مخالف، تمایلات جنس مخالف	محرکات جنس مخالف
۴	فیلم‌های ماهواره‌ای، سریال‌های عاشقانه داخلی، فیلم‌های ویدئویی مستهجن، موبایل، تلفن، پیامک	فناوری اطلاعاتی و ارتباطی
۵	انگیزه‌های جنسی، ارضای جنسی	انگیزه جنسی

۲۰

گروه دوستان به‌مثابه گروه مرجع

از نظر اینگلههارت گروه دوستان از جمله گروه‌هایی است که بر افراد نگرش، ارزش‌ها و جامعه‌پذیری آنها تأثیرگذار است. (موحد و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۵۱-۱۴۸) مشارکت‌کنندگان در دوره جوانی گروه دوستان را به‌مثابه یک گروه مرجع در نظر می‌گیرند و خود را با اعضای این گروه می‌سنجند و تحت تأثیر رفتار و الگوهای رفتاری اعضای آن می‌باشند. به‌طوری که رفتار آنها را تقلید می‌کنند، با آنها رقابت می‌کنند، دوست دارند برای کسب منزلت و قدرت مطابق معیارهای آنها رفتار می‌کنند، به همدیگر حسادت می‌کنند، همدیگر را یاری می‌دهند و زمانی که الگوی رفتاری خاصی بین اعضای گروه رایج شود، اعضای گروه اقدام به تقلید و تبعیت از آن می‌کنند. اکثر مشارکت‌کنندگان اظهار نمودند که اولین و مهم‌ترین عاملی که موجب شد که به برقراری رابطه با جنس مخالف اقدام کنند، گروه دوستان بوده است. می‌توان گفت داشتن دوستی از جنس مخالف در گروه دوستان در جامعه امروزی ایران به یک ارزش و برقراری رابطه با جنس مخالف به یک هنجار تبدیل شده است.

همه دوستانم دوس دختر داشتن و هر وقت یکیشونو می دیدم می گفتم امروز یا فردا باهات قرار دارم. می خواهم بریم پارک. یا از قرارهای قبلی شون برام می گفتم. خیلی بهشون خوش می گذشت. به همین خاطر منم رفتم با یکی دوست شدم (ر، ۲۹ ساله).

تو جمع دوستانم اگه کسی دوس دختر نداشت مسخره اش می کردن، می زدن تو سرش. به خاطر اینکه بین دوستانم کم نیارم و مسخره ام نکنن دوس دختر گرفتم (م، ۳۰ ساله).

وقتی دوستانم رو با دوس دخترشون می دیدم حس خوبی نبود، خیلی بهشون حسودی می کردم خیلی، حس خوبی نبود که می دیدی که اونها با یکی دوست هستن و من تنهام (خ، ۳۰ ساله).

۲۱

فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی

فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی شامل رسانه‌های گروهی و تکنولوژی‌های نوین ارتباطی است که جامعه امروز را به طرز باور نکردنی زیر سیطره خود قرار داده‌اند. رسانه‌های گروهی علاوه بر آنکه کارکرد تفریحی و سرگرمی دارند، بسیاری از فعالیت‌های اجتماعی ما را نیز شامل می‌شوند و به همین دلیل تأثیر و نفوذ پُردامنه‌ای روی تجربه‌ها و افکار ما دارند. بنابراین رسانه‌های گروهی بر نگرش و ایستارهای ما تأثیر می‌گذارند. (گیدنز، ۱۳۸۹: ۶۵۳) شواهد تجربی نیز مؤید آن است که مجراهای ارتباطی جدید، زمینه لازم برای رابطه با جنس مخالف را فراهم می‌آورند. (دل‌آور و احمدی، ۱۳۹۱: ۲۲) از منظر مصاحبه‌شوندگان ابزارهای اطلاعاتی و ارتباطی نه تنها بر نگرش و ایستارهای آنها نسبت به رابطه با جنس مخالف تأثیرگذار بوده، بلکه یکی از مهم‌ترین ابزارهای رایج و تسهیل‌گر این‌گونه روابط نیز بوده است، به طوری که جوانان همواره در روابط خود با جنس مخالف از این ابزارها بهره برده‌اند. تحلیل مصاحبه‌ها بیانگر آن است که فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی در عادی شدن روابط، ترویج روابط و تسهیل روابط با جنس مخالف سهیم بوده است.

با دوستانم فیلمایی رو با هم رد و بدل می کردیم که پُر از صحنه بود. با دیدن این فیلم‌ها حال و هوای اونا رو پیدا می کردم و دوس داشتم من جای اونا بودم. این فیلم‌ها بیشتر تحریکم می کرد (ر، ۳۳ ساله).

ما ماهواره نداشتیم که بگم نگاه می‌کردم، ولی سریال‌های عاشقانه تلویزیون خیلی دوس داشتم. همیشه می‌گفتم که میشه منم کسی رو داشته باشم که منو بخواد و باهاش باشم (س، ۳۱ ساله).

فیلم‌های ماهواره‌ای رو زیاد می‌دیدم، دیدن این برنامه‌ها بیشتر منو مصمم می‌کرد که تجربه اون بازیگرها رو در جامعه خودمون تجربه کنم (م، ۳۰ ساله).
بیشتر اوقات به هم پیامک می‌دادیم. بعضی وقتا حدود ۴۵ دقیقه یا یه ساعت فقط اس می‌دادیم. پیامک کارمونو خیلی راحت کرده بود (ف، ۲۹ ساله).

مشکلات عاطفی

مسائل و مشکلات عاطفی در زمره عواملی است که جوانان سنندجی را به‌سوی یافتن فردی که بتواند به‌لحاظ روحی به آنها آرامش بخشد، سوق می‌دهد. اگر اعضای خانواده و گروه دوستان (همجنس) نتوانند نیازهای روحی جوانان را برآورده کنند، آنها سعی می‌کنند که به‌جنس مخالف پناه ببرند. تحلیل مصاحبه‌ها بیانگر آن است که کمبود محبت، تنهایی و فقدان همدلی از جمله مهم‌ترین مسائل و مشکلات روحی برای این گروه از جوانان است. وجود چنین مشکلات عاطفی موجب شده که جوانان پسر، جنس مخالف را بهترین همدم تلقی کرده و با آنها رابطه برقرار نمایند.

اون موقعا خیلی تنها بودم. کسی نبود باهاش حرف بزدم، البته دوستام (پسرا)، بودن ولی احساس می‌کردم همیشه بهشون اعتماد کرد. تنها یه دختر میتونس منو از این تنهایی در بیاره (ک، ۳۱ ساله).

تو خونه کسی نبود که باهاش درد دل کنم. همه مشغول کارهای خودشون بودن. من کسی رو می‌خواستم که همدم باشه. می‌دونم چی میگم. کسی که بتونم باهاش درد دل کنم. دوستام می‌گفتن، دوس دخترا باحال‌اند، وقتی دلتنگ باشی باهاشون حرف می‌زنی، ناراحت باشی دلتنگیت رو بهش می‌گی و راحت می‌شی (ح، ۳۰ ساله).

انگیزه جنسی

برآوردن امیال جنسی یکی از اهدافی است که برخی از مشارکت‌کنندگان در راستای دستیابی به آن با دیگران به کنش می‌پردازند. تحلیل مصاحبه‌ها بیانگر آن است که میل جنسی، انگیزه‌های جنسی و ارضای آن از جمله دلایلی است که کنش و اعمال انسانی را به‌سوی برقراری رابطه با جنس مخالف هدایت می‌کند و گاهی اوقات تنها دلیل برقراری رابطه، ارضای این میل سرکش بوده است.

همیشه دوس داشتم با کسی از اون کارا کنم (عمل جنسی)، آخه خیلی شنیده بودم لذت بخشه. همیشه تو فکرش بودم. فقط هدفم همین بود که اینو تجربه کنم. بینم چطوریه (ب، ۳۰ ساله).
از عشق و عاشقی بدم میومد. فقط می خواستم که ازشون لذت ببرم. لذت جنسی. فقط اینو می خواستم (ش، ۲۹ ساله).
اولین بار یکی از دوست دخترام منو به خونشون برد و این کارو تجربه کردم. بعد از اینکه دیدم لذت بخشه. تصمیم گرفتم در کنار رابطه‌ام باهاشون، اینم باشه (ک).
۲۸ ساله).

محركات جنس مخالف

تحليل مصاحبه‌ها بيانگر آن است اگرچه گروه دوستان و رسانه‌های جمعی در برقراری رابطه مشارکت‌کنندگان با جنس مخالف نقش عمده‌ای داشته‌اند، اما جنس مخالف (دخترها) نیز در برقراری این رابطه بی‌تأثیر نیستند. جنس مخالف (دخترها) خواسته یا ناخواسته شرایط محرکی را برای جوانان پسر برای برقراری رابطه با جنس مخالف فراهم می‌کنند. پوشش نامناسب، آرایش زیاد و محرک، ابراز تمایل، ایما و اشاره و درخواست مستقیم دخترها از مهم‌ترین عواملی است که جوانان پسر را برای برقراری رابطه با جنس مخالف تحریک می‌کند.

راستشو می‌خوای تا دخترا چراغ سبز نمی‌دادند دنبالشون نمی‌رفتم که باهاشون دوست بشم (ر، ۲۹ ساله).
وقتی دخترها رو با اون لباسای چسبناک می‌دیدم، تحریک می‌شدم و یه حسی بهم می‌گفت خودش. بهتره برم دنبالشون و شماره بدم (ف، ۲۹ ساله).
دنبال هر کسی نمی‌رفتم. آخه نمیشه. فقط دنبال دخترهایی می‌رفتم که خودشون می‌خواستند. یه بار که با یکی از دوستانم (پسر) بودم. دو دختر رو دیدیم. ازشون خوشمون اومد. نمی‌دونستم بریم دنبالشون یا نه. دو دل بودیم. تا اینکه خودشون به اشاره‌هایی کردند و ما هم دنبالشون رفتیم، باهاشون دوست شدیم (م، ۳۰ ساله).

تعاملات و استراتژی‌های جوانان

مسئلاً با وقوع هر پدیده‌ای در جامعه، راهبردها و تدابیری برای اداره، مدیریت

و پاسخ به آن به کار گرفته می‌شود. «عمل / تعامل^۱» پاسخ‌های راهبردی و یا معمولی‌اند که افراد یا گروه‌ها به مسائل و رویدادهایی که تحت شرایط خاصی پدید می‌آیند (در برخورد با پدیده به وجود آمده)، از خود نشان می‌دهند. (اشتراوس و کوربین، ۱۳۹۱: ۱۵۶-۱۵۵) تحلیل داده‌ها بیانگر آن است که مصاحبه‌شوندگان به دو شیوه و راهبرد با جنس مخالف رابطه برقرار کرده‌اند که عبارت‌اند از: روابط عاشقانه و روابط مبتنی بر فریب.

جدول ۳: سنخ‌شناسی رابطه پیش از ازدواج

ردیف	مفاهیم	مقوله
۱	فداکاری در رابطه، رقابت با سایر خواستگاران، رابطه عاشقانه، انگیزه ازدواج	روابط عاشقانه
۲	تعهد ظاهری، فریب دوستی، عدم وابستگی، دوست دختر متنوع، رابطه همزمان، رابطه لذت‌گرایانه، هدف جنسی	روابط مبتنی بر فریب

۲۴

روابط عاشقانه

روابط عاشقانه یکی از اشکال یا سنخ‌های رابطه با جنس مخالف است که مصاحبه‌شوندگان بدان اشاره کرده‌اند. هسته اصلی این نوع رابطه پیوند صمیمیت و تمایل جنسی فرد با شریک خویش است. این افراد به دنبال افرادی هم‌سن و سال خود و با روحیات مشابه‌اند تا بتوانند با آنها علاوه بر رابطه جنسی، رابطه عاطفی نیز برقرار کنند. در این دسته از افراد، نیازهای عاطفی هم‌سطح نیازهای جنسی اهمیت بسیاری دارند. در این روابط، بین افراد به جای پول، هدیه رد و بدل می‌شود. این هدایا دو طرفه است و بیشتر برای تحکیم رابطه و به‌منزله بیان مادی ابراز محبت بین طرفین تلقی می‌شود. (آزادارمکی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۹-۱۸)

دوست‌مو خیلی دوس داشتم، هر فرصتی پیدا می‌کردم بهش زنگ می‌زدم یا همو می‌دیدیم. دنیای آیندمو با او می‌ساختم. همدیگه رو خیلی می‌خواستیم (ف، ۲۹ ساله). اصلاً تو این فازا نبودم که سر دخترا کلاه بذارم و بهشون دروغ بگم. تا کسی رو دوس نداشتم باهاش دوس نمی‌شدم. هم‌سرمو می‌خواستم و حدود دو سالی باهاش بودم. عاشق هم بودیم. ازدواج هم کردیم. (ج، ۳۴ ساله).

به دوستم به خصوص این آخری خیلی وابسته بودم باور کن آگه یه روز نمی دیدمش دیوونه می شدم، آخه همسایه بودیم (ر، ۳۳ ساله).

روابط مبتنی بر فریب

روابط عاشقانه از نگاه مصاحبه‌شوندگان مشکلات خاص خودش را دارد؛ از جمله تعهد، هزینه، شکست عشقی و وابستگی به جنس مخالف. از این رو برخی از مصاحبه‌شوندگان به روابط مبتنی بر فریب روی می‌آورند. هدف این روابط، تنوع بیشتر، تعهد کمتر و رسیدن به منافع خاص در رابطه‌هایی است که صورتی نسبتاً عاشقانه دارند. روابط مبتنی بر فریب ظاهری عاشقانه، اما محتوایی آمیخته با فریب دارند. (آزادارمکی و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۳)

با چند تا دوس بودم. البته یکی شون تو شهر دیگه بود. هر وقت یکی شون نبود یا قهر می کرد با اون یکی سرگرم می شدم. هدفم عشق و علاقه نبود. می خواستم کسی باشه که فقط باهاش باشم و از اون کارایی که گفتم انجام بدم (ع، ۳۱ ساله). بعضی وقتا بهم شک می کرد. قسمم می داد. منم قسم دروغ می خوردم. آخه عادت کرده بودم. آگه می دونستم کسی پا می ده دنبالش می رفتم (ص، ۳۰ ساله).

یه بار که با یکی از دوستام حرف می زدم تلفنی، لو رفتم. آخه عادت داشتم که همیشه احوال خواهر و بردار و پدر و مادرشونو بپرسم. یه بار گفتم مهری خواهرت چطوره. گفت مهری کیه؟ فهمیدم که اسم خواهر اون یکی رو گفتم. قهر کرد. همیشه خیلی مواظب بودم که لو نرم و اشتباه نکنم ولی اون بار همه چی لو رفت (ف، ۲۹ ساله).

۲۵

پیامدهای رابطه پیش از ازدواج

هر جا انجام یا عدم انجام عمل / تعامل معینی در پاسخ به امر یا مسئله‌ای یا به منظور اداره یا حفظ موقعیتی از سوی فرد یا افرادی انتخاب شود، «پیامدهایی»^۱ پدید می‌آید. پیامدها به ما می‌گویند که در نتیجه اعمال و تعامل‌هایی که افراد (تحت چنان شرایطی) صورت داده‌اند یا نتوانسته‌اند در پاسخ به موقعیت خاص صورت دهند، چه پیش آمده است. به عبارت دیگر، پیامدها نتایج یا برون‌دادهای کنش و واکنش‌اند. (اشتراوس و کوربین، ۱۳۹۱: ۱۵) یافته‌های تحقیق در زمینه پیامدهای رابطه با جنس مخالف در ۱۱ مقوله کدبندی شدند که عبارت‌اند از:

جدول ۴: مقوله‌های بُعد پیامدی

ردیف	مفاهیم	مقوله
۱	تأسف ناشی از مقایسه اخلاقی، احساس ناامیدی ناشی از مقایسه، تأسف ناشی از مقایسه مالی، تأسف ناشی از تداعی خاطرات، احساس پشیمانی	تأسف و پشیمانی
۲	یاد گذشته، تداعی خاطرات، گذشته لذت‌بخش، دلسردی ناشی از خاطرات، حسرت گذشته، بازگشت به گذشته	حس نوستالژیک
۳	مقایسه خلق‌و‌خو، مقایسه رفتاری، مقایسه خواسته‌های دوستان قبلی و خواسته‌های همسر، مقایسه قامت، مقایسه زیبایی، برتری معشوقه‌های قبلی، مقایسه درآمد، مقایسه ثروت	مقایسه
۴	درک زنان، شناخت روحیات، شناخت نیازهای زنان، دوستی و تمرین زندگی	شناخت زنان
۵	احساس آرامش، احساس لذت عاطفی (شادی)	آرامش روانی
۶	رابطه مبتنی بر لذت جنسی، لذت جنسی، تجربه جنسی قبل از ازدواج	لذت جنسی
۷	کاهش علاقه، قهر، دعوا، بدبینی ضعیف	اختلافات خانوادگی
۸	آمادگی به برقراری رابطه دوستی با دیگران در دوران تأهل، علاقه به برقراری رابطه دوستی با دیگران در دوران تأهل، وسوسه برقراری رابطه دوستی با دیگران در دوران تأهل	میل به تنوع‌طلبی
۹	رابطه دوستی با جنس مخالف در دوران تأهل، رابطه جنسی با جنس مخالف در دوران تأهل، عادت	عدم پابندی
۱۰	تجربه دوستی با همسر فعلی، تجربه دوستی متعدد، تجربه دوستی قبل از ازدواج، روابط کوتاه‌مدت	کسب تجربه
۱۱	یادگیری روابط همسرداری، آگاهی به روابط زناشویی، شناخت نحوه رفتار با زنان	کنش راهبردی

شناخت روحیات زنان

زیگموند باومن معتقد است که رابطه با جنس مخالف دارای جنبه‌های مثبت و منفی است. (باومن، ۱۳۸۴: ۱۱) یکی از جنبه‌های مثبت رابطه با جنس مخالف، شناخت روحیات زنان است. شناخت لازمه زندگی است. انسان‌ها در محیط اجتماعی برای آنکه بتوانند در کنار دیگران بهتر و راحت‌تر زندگی کنند، باید شناختی کلی و جزئی درباره روحیات و نیازهای اطرافیان خود در شرایط و موقعیت‌های مختلف داشته باشند، در غیر این صورت با مشکلات زیادی مواجه می‌شوند. درباره روابط مصاحبه‌شوندگان باید گفت که تعدد رابطه با جنس مخالف و تجربه ناشی از آن سبب شده است که جوانان نسبت به نیازهای کلی و تا حدودی نیازهای جزئی و روحیات خاص جنس مخالف شناخت به‌دست بیاورند.

الان زن‌ها رو خوب می‌شناسم. می‌دونم که باید بهشون توجه کرد. اگه واقعاً عاشقشون باشی اونام عاشقت می‌شن. اونا زود بو می‌برن. نمی‌شه در مقابلشون زیاد نقش بازی کنی (م، ۳۰ ساله).

حقیقتش من تا قبل از این روابط اصلاً دنیای زن‌ها رو نمی‌شناختم. چه تفاوت‌هایی با مردها دارند. در ماه چه اتفاقاتی براشون می‌افته. تو همین رابطه‌ها بود دنیاشون رو شناختم و فهمیدم که تو بدنشون تغییراتی ایجاد می‌شه، اخلاقشون هم خودبه‌خودی عوض می‌شه، فهمیدم که تو این وقتا باید خیلی ازشون مراقبت کرد و باید باهاشون مهربون بود (آ. ۲۹ ساله)

اون رابطه‌ها ویژگی‌های مشترک زنان رو به من آموخت، مثل لطافت و توجه به احساسات، نیازهای مشترک راجع به لباس و زندگی و احساس آنها رو آموختم (ش، ۲۹ ساله).

آرامش روحی - روانی

تحلیل مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که رابطه با جنس مخالف برای جوانانِ پسر نوعی لذت و آرامش عاطفی در پی داشته است. آرامشی که در خانواده‌های برخی از افراد مورد مصاحبه به دلیل بحران و خلأ عاطفی وجود ندارد. عدم انسجام خانواده‌ها موجب شده است که جوانان برای رفع مشکلات عاطفی خود به جنس مخالف پناه ببرند و آنها را محرم اسرار خود ببینند.

وقتی با دخترها بودم خیلی آرامش داشتم. احساس می‌کردم یکی هست که دلش برام بتپه و نگرانم باشه. وقتی باهاشون هستم احساس لذت می‌کنم (خ، ۳۰ ساله). خیلی مهربون بود. هر وقت مشکلی برام پیش می‌ومد بهش زنگ می‌زدم. آرومم می‌کرد، فقط اون می‌تونست آرومم کنه (خ، ۳۰ ساله).

بودن با اونا خیلی بهم لذت می‌داد. خیلی خوش بودم (ب، ۳۰ ساله).

لذت جنسی

رابطه با جنس مخالف به لذت عاطفی محدود نمی‌شود، بلکه با لذت جنسی نیز همراه است. مشارکت‌کنندگان این پژوهش بنا به شرایط خاص سنی در اوج قلیان امیال جنسی به‌سر می‌برند. علاوه بر این، عوامل مهم دیگری چون تسلط کامل شرایط زندگی مدرن بر خانواده‌ها، سریال‌های عاشقانه، دسترسی آسان برنامه‌های عاشقانه - پورنوگرافی ماهواره، بحث‌های رایج در گروه دوستان در مورد روابط جنسی و دسترسی به تکنولوژی‌های

نوین ارتباطی، زمینه ارتباط با جنس مخالف را بیش از پیش فراهم کرده است. همین امر موجب می‌شود که افراد در رابطه با جنس مخالف، رابطه جنسی و لذت جنسی را نیز تجربه نمایند.

وقتی رابطه جنسی یا جسمی با کسی نداشتیم، خیلی داغون بودم. فقط رابطه جسمی و جنسی با دخترا بهم آرامش می‌داد و لذت می‌بردم (س، ۳۱ ساله).
اولین بار یکی از دوست دخترام منو به خونشون برد و این کارو تجربه کردم. بعد از اینکه دیدم لذت بخشه. تصمیم گرفتم در کنار رابطه‌ام باهاشون، اینم باشه. (ک، ۲۸ ساله).
هر چند که این کارو زیاد انجام نمی‌دادیم چون که فرصتش پیدا نمی‌کردیم ولی هر وقت که این کارو می‌کردیم. خیلی لذت می‌بردم، هر دو لذت می‌بردیم (ف، ۲۹ ساله).

مقایسه

مقایسه یکی از کنش‌هایی است که انسان در طول زندگی خود درباره پدیده‌ها، اشیاء و افراد مختلف به کار می‌گیرد. افرادی که تجربیات بیشتری در زندگی دارند، بیشتر به مقایسه می‌پردازند. تحلیل داده‌ها بیانگر آن است که تجربه دوستی در دوران قبل از ازدواج موجب شده که جوانان همسر خود را به‌لحاظ ظاهری (قامت، زیبایی، تیپ)، اخلاقی (خلق و خو، رفتار)، مالی (ثروت، درآمد) و خواسته‌ها و توقعات با دوستان قبلی خود مقایسه کنند.
قیافه و تیپ‌شون خیلی با هم فرق داره. اون خوشکل و خوش تیپ بود و به خودش می‌رسید ولی همسرم معمولیه. هم ظاهرش هم تیپش (ح، ۳۰ ساله).
اونا ثروتمند بودن و اینا متوسط به پایین. هم ماشین داشتن و خونه بالاشهر و هم پول، ولی خونواده همسرم اینا مشکلات مالی ندارن، ولی با اونا خیلی فرق دارن (ش، ۲۹ ساله).

دوستام زیاد بد اخلاق بودن و الکی قهر نمی‌کردن، ولی همسرم نمی‌دونم چرا این طوره؟ اخلاقشو دوس ندارم نه بگی همیشه. ولی اونا خیلی مهربون تر بودن (ن، ۳۲ ساله).

تأسف و پشیمانی

تأسف و پشیمانی از جمله جنبه‌های منفی رابطه با جنس مخالف قبل از ازدواج است. (باومن، ۱۳۸۴: ۱۱) تحلیل مصاحبه‌ها بیانگر آن است که زندگی متأهلی برای مصاحبه‌شوندگان علاوه بر مشکلات اقتصادی و تفاوت‌های اخلاقی طرفین، تأسف و

پشیمانی را در پی داشته است؛ به طوری که افراد از زندگی متأهلی و انتخاب همسر خود راضی نباشند و همواره به خاطر انتخابشان متأسف شوند. روابط متعدد جوانان پسر در دوران قبل از ازدواج با جنس مخالف موجب شده است که همواره همسر خود را با دوستان یا معشوقه‌های قبلی خود به لحاظ ظاهری، اخلاقی، مالی، خواسته‌ها و توقعات مقایسه کنند و چون که با افراد متعدد و مختلفی از جنس مخالف رابطه داشته‌اند، در اکثر اوقات نتیجه این مقایسه موجب تأسف، دل‌سردی و پشیمانی جوانان از ازدواج بوده است.

بعد از اینکه زنم رو با دوستانم مقایسه می‌کردم می‌دیدم که زنم نسبت به اونا پایین تره. دل‌سرد می‌شدم. قبلیا بهتر بودن. الان چندان راضی نیستم از انتخابم (ر، ۲۹ ساله).

هر کی بگه که من مقایسه نکردم دروغ می‌گه. همیشه فکر می‌کردم توی این شرایط وضع و کار، اگه یه زن شاغل می‌گرفتم الان وضعم بهتر بود. کمک خرجم بود. حالم گرفته می‌شه (م، ۳۰ ساله).

وقتی مقایسه می‌کردم. به شدت اعصابم خرد می‌شد و احساسمو داغون می‌کرد (ش، ۲۹ ساله).

حس نوستالژیک

به زعم باومن، حس نوستالژیک در زندگی متأهلی یکی از جنبه‌های منفی رابطه با جنس مخالف قبل از ازدواج است. (باومن، ۱۳۸۴: ۱۰) بر مبنای حس نوستالژیک، دوران گذشته نسبت به دوران فعلی زیباتر، لذت‌بخش‌تر و بهتر می‌باشد و افراد خواهان بازگشت به آن دوران‌اند. با توجه به اینکه دوران قبل از ازدواج جوانان تعهد و مسئولیت‌چندانی زیادی نسبت به دوستان خود (جنس مخالف) در زمینه اقتصادی، اخلاقی و اجتماعی نداشتند، دوران لذت‌بخش، زیبا و همراه با خاطرات و تجربیات زیبا بوده است. اما در زندگی متأهلی به دلیل آنکه جوانان مسئولیت خانواده را به لحاظ اقتصادی، اخلاقی، اجتماعی و حقوقی بر عهده دارند و تعهدات زندگی آنها را محدود نموده و با مشکلات اقتصادی، اجتماعی و اختلافات خانوادگی مواجه‌اند، این دوران نه تنها برای آنها دوران زیبایی تلقی نمی‌شود، بلکه دوران سخت و پُرمشقت تلقی می‌شود. مقایسه دوران قبل از ازدواج به مثابه دوران زیبا و لذت‌بخش و دوران بعد از ازدواج به مثابه دوران سخت و پُرمشقت موجب می‌شود که در جوانان پسر حس نوستالژیک به وجود بیاید و آرزوی بازگشت به گذشته را داشته باشند.

تقریباً به خاطرات گذشته برمی‌گردم، ولی گاه گاهی خیلی زیاد برمی‌گردم گذشته. اون دوران خیلی خوب و قشنگ بود. دوران قشنگی داشتم با دوستام (خ، ۳۰ ساله). خیلی وقتا یاد عشق گذشته‌ام می‌افتم و می‌گم کاش برگردم اون دوران. کاش یه فرصت دیگه به عشقم می‌دادم (ص، ۳۰ ساله).
 آی خاطره، تو ذهن آدم، خاطره...تداعی می‌شه، دلگرمی دیگه نمی‌مونه. کامل دلسرد می‌شم (ش، ۲۹ ساله).

اختلافات خانوادگی

نتایج تحقیقات تجربی بیانگر آن است که یکی از پیامدهای رابطه با جنس مخالف، بی‌ثباتی، کاهش کیفیت زندگی و اختلافات خانوادگی است (فتحی و دیگران، ۱۳۹۲). تحلیل داده‌ها نیز نشان داد که زندگی جوانان متأهل مورد بررسی نیز همراه با اختلافات خانوادگی است، اما منشأ این اختلافات علاوه بر عوامل اقتصادی و فرهنگی، عواملی مانند مقایسه همسر با دوستان قبلی به‌لحاظ مالی، ظاهری، اخلاقی، خواسته‌ها و توقعات، حس نوستالژیک و تأسف و پشیمانی همراه با آن است. این امر موجب شده که محیط خانواده برای جوانان متأهل محیطی آکنده از دلسردی باشد.

هر وقت زیاد مقایسه می‌کنم حالم گرفته می‌شه. بعضی وقتا اونقدر حالم گرفته می‌شه که کنترل خودمو از دست می‌دم و دعواش می‌کنم (م، ۳۰ ساله).
 زیاد قهر و دعوا می‌کنیم نمی‌دونم چرا؟ همش به‌خاطر گذشتمه. همش اونا تو ذهنم. من می‌گم این چرا مَث اونا نیست (خ، ۳۰ ساله).
 بعضی وقتا می‌گم اگه با فلانی ازدواج می‌کردم وضعم بهتر از این بود. چون که مایه‌دار بودند. همین فکر بعضی وقتا علاقه‌ام رو نسبت به خانمم کم می‌کنه و برای یه مدتی دلسردم می‌کنه (ف، ۳۰ ساله).
 همیشه فکر می‌کردم توی این شرایط و وضع و کار، اگه یه زن شاغل می‌گرفتم الان وضعم بهتر بود. کمک خرجم بود. حالم گرفته می‌شه (م، ۳۰ ساله).

کنش راهبردی با همسر؛ تجربه‌آموزی

برای برخی از مصاحبه‌شوندگان، رابطه دوستی جوانان متأهل در دوران قبل از ازدواج موجب شده است که جوانان در ارتباط با زنان و زندگی با زنان تجربیاتی به‌دست بیاورند و بدانند که در مقابل زنان چگونه رفتار کنند. تحلیل داده‌ها بیانگر آن است که تجربه دوستی با جنس مخالف سبب شده است که برخی از جوانان نسبت نیازهای کلی و تا

حدودی نیازهای جزئی و روحیات خاص همسرشان (که فردی از جنس مخالف است) شناخت به‌دست بیاورند و با توجه به این شناخت هنگام تعامل و ارتباط، همسرشان را بیشتر درک کنند و در دستیابی به اهدافشان کنش مناسبی را انجام دهند. می‌دونم که در چه وقتایی چه کاری انجام بدم که زنم راضی بشه و ازم ناراحت نشه. اولش می‌خواستم با زور انجام بدم، اما وقتی با اون قبلیا مطابقت دادم دیدم که همه‌شون مثل همین (س، ۳۱ ساله).

همسرمو خیلی خوب می‌شناسم و می‌دونم چه نیازهایی داره. آخه همشون مثل همین. به همین خاطر در مواقع حساس می‌دونم چه کار کنم (ا، ۳۳ ساله). علاوه بر دوستام با همسر خودم هم رابطه دوستی داشتم. همسرمو می‌خواستم و حدود دو سالی باهاش بودم. عاشق هم بودیم. ازدواج هم کردیم (ج، ۳۴ ساله).

میل به تنوع‌طلبی

میل به تنوع‌طلبی از جمله پیامدهایی است که در پژوهش‌های قبلی نیز در زمینه روابط قبل از ازدواج و زندگی متأهلی بر آن تأکید شده است. (فتحی و دیگران، ۱۳۹۲) در رابطه با جوانان متأهل مورد مصاحبه باید گفت که تعدد تجربه دوستی در دوران مجردی موجب شده است میل به تنوع‌طلبی در آنها تشدید شود. به طوری که جوانان متأهل سنجی بعد از مدتی از بودن با همسر خود، خسته و به برقراری رابطه با افراد دیگر تمایل پیدا کرده‌اند. میل به تنوع‌طلبی که ناشی از تجربه دوستی با افراد مختلف در دوران مجردی است، موجب شده است که همواره جوانان متأهل، علاقمند، مشتاق و آماده برقراری رابطه با افرادی غیر از همسر خود باشند و همواره وسوسه با دیگری یا دیگران بودن (از جنس مخالف) در وجود آنها نهفته است.

فقط کافیه یه نفر رو ببینم که آمار بده، فوری شماره می‌دم و جورش می‌کنم مخصوصاً اگه قبلاً تجربه جنسی داشته باشه (ن، ۳۲ ساله).

بعد اینکه کارهامو توی تهران یا تبریز انجام می‌دم، توی شهر معمولاً یه گشتی می‌زنم و تا حالا چند بار برام پیش اومده که تو خیابون یا اتوبوس خواستم دنبال خانم‌ها برم و بعضی‌هاش تا نیمه رفتم و پشیمون شدم. بعضی‌هاش اصلاً نرفتم، بعضی‌هاش هم رفتم متأسفانه (م، ۳۰ ساله).

یه وقتایی کسایی رو می‌بینم وسوسه می‌شم که برم دنبالش و بهش پیشنهاد بدم (ش، ۲۹ ساله).

عدم پابندی به تعهدات زندگی مشترک

تحلیل مصاحبه‌ها بیانگر آن است که این گروه از جوانان متأهل سنجی به تعهد خود نسبت به همسر و شریک زندگی‌شان پایبند نیستند و گاهی اوقات عهدشکنی می‌کنند. مشکلات زندگی متأهلی، مقایسه‌های اخلاقی، مالی، ظاهری، حس نوستالژیک و میل به تنوع طلبی موجب می‌شود که جوانان متأهل تعهد خود نسبت به همسرشان را نادیده بگیرند و با فردی از جنس مخالف که ممکن است از معشوقه‌ها یا دوستان دوران مجردی باشد یا ممکن است فردی جدید باشد، رابطه دوستی، عاطفی و جنسی برقرار کنند.

اگر کسی دیگه باشه آره. الانم کسایی تو زندگیم هستن به غیر از زنم. با اونام رابطه دارم (ب، ۳۰ ساله).

دخترای زیادی به مغازه‌ام می‌اند. آخه شغلم همینه. یه بار با یکی از این مشتری‌های همیشگیم که احساس راحتی می‌کنه و خیلی لارژه، دوست شدم و مدتی با هم بودیم (س، ۳۱ ساله).

به بعضی دخترا شماره دادم و با هم رابطه شدید داریم ولی بهشون گفتم شبا اس ندن یا زنگ نزنن (ع، ۳۱ ساله).

هسته مرکزی: سیالیت روابط زناشویی

تحلیل داده‌ها با استفاده از تکنیک داستانی توصیفی در زمینه پدیده رابطه با جنس مخالف بیانگر آن است که هسته مرکزی که دیگر مقوله‌ها به شیوه‌های مختلف با آن در ارتباطند، مقوله «سیالیت روابط زناشویی» است. این مقوله به انتزاعی‌ترین نحو ممکن به پرسش‌های زمینه‌ای، تعاملی و پیامدی پاسخ می‌دهد و می‌توان مسیر روئیدن آن را از دل داده‌های زمینه‌ای از طریق رجوع به مقولات محوری پی گرفت. این مقوله براساس مقوله‌های لذت جنسی، کسب تجربه، آرامش روحی - روانی، محرکات جنس مخالف، گروه دوستان، شناخت روحیات زنان، فناوری اطلاعاتی و ارتباطی، اختلافات خانوادگی، میل به تنوع‌طلبی، حس نوستالژیک، مقایسه و عدم پابندی شکل گرفته است. مقوله «سیالیت روابط زناشویی» مبتنی بر نظریه عشق سیال زیگمونت باومن است. وی معتقد است افراد در جامعه سیال مدرن، رابطه را نوعی سرمایه‌گذاری می‌دانند و به دلایل سوداگرایانه مانند کمک سریع در هنگام نیاز، یاری در هنگام اندوه، همراهی در تنهایی، تسلی در هنگام شکست، تحسین هنگام پیروزی، فرار از ناراحتی و ارضای سریع یک

نیاز مانند نیاز جنسی با دیگران رابطه برقرار می‌کنند و در این رابطه انتظار دستیابی به سود را دارند. (باومن، ۱۳۸۴: ۳۷) البته انسان‌های امروزی روابط را می‌خواهند، اما تنها با خوبی‌های آن و نه با مشکلاتش. اما وی معتقد است که یک رابطه دارای جنبه‌های مثبت و منفی است و اکثر اوقات این جنبه‌های خوب و بد همزمان در رابطه وجود دارند. از نظر وی، در موقعیت سیال مدرن، روابط شاید شایع‌ترین نمونه تناقض و چندگانگی‌اند. (باومن، ۱۳۸۴: ۱۵-۱۱)

نظریه زمینه‌ای پژوهش

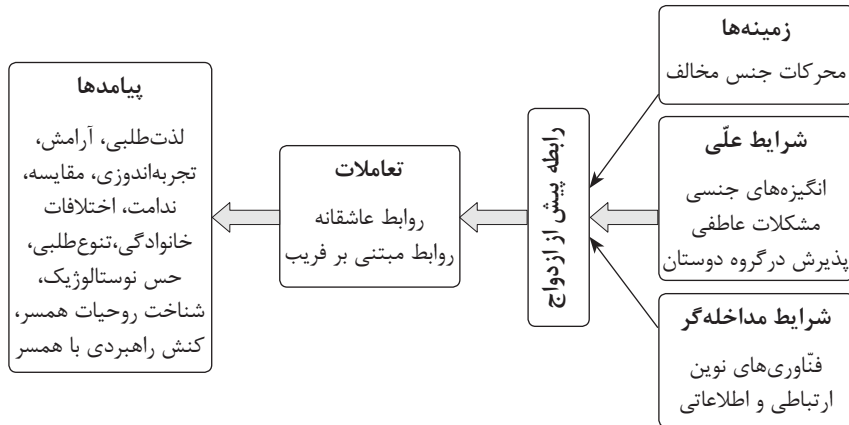
بر مبنای نتایج پژوهش، جوانان پیش از ازدواج، به دلیل مشکلات عاطفی و تشدید امیال جنسی، عضویت و تأثیرپذیری از گروه دوستان به رابطه با جنس مخالف روی آورده‌اند. در این میان فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی (برنامه‌های ماهواره‌ای و سریال‌های عاشقانه فارسی) به منزله شرایط مداخله‌گر و محرکات جنس مخالف (پوشش نامناسب، ایما و اشاره، آرایش) به مثابه شرایط زمینه‌ای عمل کرده‌اند.^۱ جوانان مورد مصاحبه با به‌کارگیری دو راهبرد «روابط عاشقانه» و «روابط مبتنی بر فریب» به برقراری رابطه با جنس مخالف می‌پردازند. هسته اصلی روابط عاشقانه پیوند عاطفی فرد با شریک خویش است، اما به دلیل شدت امیال جنسی در این دوره و تسهیل‌گری برنامه‌های ماهواره‌ای و شدت یافتن روابط عاطفی بین جوانان، روابط عاطفی سمت و سوی روابط جنسی نیز به‌خود می‌گیرد. گفتنی است که افراد در این دوره با چند نفر رابطه عاشقانه غیرهمزمان را تجربه می‌کنند. اما در روابط مبتنی بر فریب، هسته اصلی، انگیزه‌های جنسی و ارضای امیال جنسی است. در این شکل از روابط افراد نسبت به هم متعهد، صادق، وابسته و وفادار نیستند و بیشتر تظاهر به صداقت، تعهد، وابستگی و پایبندی می‌کنند. لذا ممکن

۱. اشتراوس و کوربین شرایط را به سه دسته علی، مداخله‌گر و زمینه‌ای تقسیم نموده‌اند. شرایط علی معمولاً آن دسته رویدادها و وقایع‌اند که بر پدیده‌ها اثر می‌گذارند یا منجر به وقوع یا توسعه یک پدیده می‌شوند. شرایط مداخله‌گر شرایط عام و وسیعی هستند که شرایط علی را تخفیف یا به‌نحوی تغییر می‌دهند. یعنی اثر یک یا چند عامل را فعال‌تر، یا کندتر، شدیدتر یا ضعیف‌تر می‌کنند. شرایط زمینه‌ای مجموعه خاصی از شرایط هستند که در یک زمان و مکان خاص جمع می‌آیند تا مجموعه اوضاع و احوال یا مسائلی را به‌وجود آورند که اشخاص با عمل/ تعامل‌های خود به آنها پاسخ می‌دهند. شرایط زمینه‌ای ریشه در شرایط علی و مداخله‌گر دارند و محصول چگونگی تلاقی و تلفیق آنها با یکدیگر برای شکل دادن به الگوهای مختلف با ابعاد گوناگون‌اند. (اشتراوس و کوربین، ۱۳۹۱: ۱۵۵-۱۵۳)

است همزمان با چند نفر از جنس مخالف رابطه داشته باشند و روابط مختلف و متعددی را تجربه کنند و در مدت زمان محدود تجارب متفاوتی از جنس مخالف به دست بیاورند. رابطه پیش از ازدواج برای جوانان مورد مصاحبه، پیامدهای عدیده و بعضاً متناقضی بر زندگی متأهلی داشته است. از نظر مصاحبه‌شوندگان، رابطه پیش از ازدواج آرامش روحی و روانی، تقلیل مشکلات عاطفی از جمله تنهایی، شناخت روحیات زنان، ارضای امیال جنسی را در پی داشته است. جوشش امیال جنسی در این دوره سنی، برنامه‌های پورنوگرافی ماهواره‌ای و دسترسی به تکنولوژی‌های نوین ارتباطی، زمینه را برای تحریک‌پذیری هر چه بیشتر جوانان و تجربه جنسی فراهم آورده است.

از طرف دیگر با گذشت زمان، جوانان متأهل با توجه به شرایط زندگی، همسران خود را با دوستان قبلی به لحاظ ظاهر (قیافه، قامت و تیپ) و اخلاقی (خلق و خو و رفتار) و خواسته‌ها و توقعات مقایسه می‌کنند. با توجه به تنوع دوستان قبلی و با توجه به اینکه موقعیت اجتماعی و نقش دوست بودن با نقش همسری بسیار متفاوت است، تیپ، ظاهر، رفتار، اخلاق، خواسته‌ها و توقعات دوستان قبلی نسبت به همسر فعلی، زیباتر و بهتر ارزیابی می‌شود. این امر موجب پیدایش حس نوستالژیک می‌شود. حسی که بر اساس آن دوران گذشته نسبت به دوران فعلی زیباتر، بهتر و لذت‌بخش‌تر تلقی می‌گردد و افراد همواره در حسرت از دست رفتن آن و خواهان بازگشت به آن دوران هستند. پدیده مقایسه و حس نوستالژیک موجب می‌شود که افراد از زندگی متأهلی و انتخاب همسر خود راضی نباشند و همواره به خاطر انتخاب‌شان متأسف شوند. این امر قدرت تحمل جوانان متأهل را در تعامل با همسر و در برابر رفتار، اخلاق و خواسته‌های آنها کاهش داده و زمینه اختلافات خانوادگی و سرد بودن فضای خانواده را فراهم آورده است. فضای سرد خانواده و اختلافات خانوادگی از یک‌سو و «تجربه بودن با افراد مختلفی از جنس مخالف» از سوی دیگر، سبب شده است که جوانان متأهل در زندگی متأهلی خود بعد از مدتی از بودن با همسر خسته شوند و وسوسه روابط نامتعارف در آنها شعله‌ور شود. این دسته از افراد را می‌توان در ذیل «عهدشکنان بالقوه زندگی مشترک» مقوله‌بندی کرد. بنابراین، به تدریج مشکلات زندگی متأهلی، مقایسه‌های اخلاقی، مالی، ظاهری مکرر، حس نوستالژیک، میل به تنوع‌طلبی و تأثیرپذیری از برنامه‌های ماهواره‌ای که در آنها عهدشکنی و خیانت، طبیعی و معصومانه جلوه داده می‌شود، دست به دست هم داده است تا جوانان متأهل، تعهد زناشویی را نادیده گرفته و روابط نامتعارف با افراد جدید و

یا با معشوقه‌ها و دوستان دوران مجردی برقرار کنند. بنابراین جوانان روابط نامتعارف را در زندگی متأهلی به صورت تناقض پیامدی تجربه می‌کنند.



نمودار ۱: مدل زمینه‌ای درک جوانان از شرایط، تعاملات و پیامدهای رابطه پیش از ازدواج

بحث و نتیجه‌گیری

تحلیل پیامدهای رابطه با جنس مخالف در دوره بعد از ازدواج بیانگر آن است که پدیده رابطه با جنس مخالف به لحاظ پیامدی تک‌بعدی نیست، بلکه پیامدهای این پدیده چند بُعدی است: شناخت روحیات زنان، کنش راهبردی با همسر و آرامش عاطفی، مقایسه، حس نوستالوژیک، میل به تنوع‌طلبی، عدم پابندی. به عبارت دیگر، جوانان سنجندگی پیامدهای رابطه با جنس مخالف را در ابعاد و اشکال مختلف تجربه می‌کنند. همچنین نتایج تحقیق بیانگر آن است که جوانان مورد مطالعه، رابطه پیش از ازدواج با جنس مخالف را به دو شکل روابط عاشقانه و روابط مبتنی بر فریب (ضدعاشقانه) تجربه می‌کنند. به طوری که در روابط مبتنی بر فریب جوانان بیشتر به آزادی و لذت‌طلبی بدون تعهد و وابستگی تمایل دارند. تجربه رابطه پیش از ازدواج و پس از ازدواج، دارای پیامدهای متفاوت و متناقض است. چنین نتیجه‌ای با نظریه عشق سیال زیگموند باومن، همخوانی دارد. از نظر زیگموند باومن رابطه یکی از دغدغه‌های جامعه مدرن سیال است و افراد به دنبال رابطه با دیگری هستند. اما انسان‌های امروزی رابطه را تنها با خوبی‌های آن می‌خواهند و نه با مشکلاتش. لذا روابط امروزی ناپایدار و سیال بوده و در جامعه سیال

مُدرن، افراد به‌جای پیوندهای ناگسستنی و همیشگی خواهان پیوندهای سست و بی‌قید و بند هستند. (باومن، ۱۳۸۴: ۱۱-۱۰)

بر مبنای نتایج مصاحبه‌ها، روابط پیش از ازدواج جوانان، صبغه ابزاری پیدا کرده و به‌مثابه ابزاری در جهت نیل به آرامش عاطفی و جنسی مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. چنین نتیجه‌ای با نظریه مبادله همخوانی دارد. در نظریه مبادله، مبنای رفتار انسان مدل‌های اقتصاد و سود و زیان در بازار است، یعنی کنشگران خواهان حداکثر پاداش و حداقل هزینه‌اند. بنابراین این نظریه بر شدت یافتن رویکرد سود و منفعت بر تعاملات اجتماعی و ابزاری شدن تعاملات تأکید دارد. همچنین نتایج تحقیق حاضر بیانگر آن است که رابطه با جنس مخالف و تجربه ناشی از آن همراه با پیامدهایی مانند لذت جنسی، مقایسه، تأسف و پشیمانی، اختلافات خانوادگی، میل به تنوع‌طلبی، عدم پابندی و حس نوستالژیک است. چنین نتایجی با نتایج تحقیقات براون و همکاران (۲۰۰۶) و الکساندر و همکاران (۲۰۰۶) همخوانی دارد، زیرا نتایج این تحقیقات بیانگر آن بود که این روابط منجر به روابط صمیمانه فیزیکی و رابطه جنسی، کاهش کیفیت زندگی، بی‌ثباتی و طلاق می‌شوند. همچنین نتایج تحقیق حاضر با نتایج تحقیقات سیدان و نجفی‌نژاد (۱۳۹۱)، خلج‌آبادی‌فراهانی (۱۳۹۱)، دل‌آور و احمدی (۱۳۹۱)، خواجه نوری و دل‌آور (۱۳۹۱) و فتحی و همکاران (۱۳۹۳) همخوانی دارد. نتایج این تحقیقات نیز بیانگر آن است که رابطه با جنس مخالف و تجربه ناشی از آن موجب به‌بالارفتن بی‌وفایی، تنوع‌طلبی و شکل‌گیری عشق سیال می‌شود. از سوی دیگر نتایج این تحقیقات با نتایج تحقیق حاضر در رابطه با اینکه گروه دوستان، فناوری اطلاعاتی و ارتباطی و محرکات جنس مخالف شرایط شکل‌گیری رابطه با جنس مخالف را فراهم می‌کنند، همخوانی دارد.

با توجه به اهمیت «پیامدها و دلالت‌های منفی و آسیب‌زای رابطه پیش از ازدواج بر زندگی متأهلی»، ضروری است که ابعاد و زوایای پیدا و پنهان رابطه با جنس مخالف به‌مثابه آسیب اجتماعی پنهان در پژوهش‌های آتی مورد توجه پژوهشگران قرار گیرد. با نظر به زمینه‌ها و بس‌ترها نباید از شرایط علی روابط پیش از ازدواج غفلت ورزید. مقوله‌های مشکلات عاطفی و مفاهیم آن نظیر کمبود محبت، تنهایی و فقدان همدلی نشان از خلأ ارتباطی در مناسبات اجتماعی جوانان مورد مطالعه دارد. شکاف سنی و نسلی مبتلا به جوانان نیز نشان از مسئله‌دار شدن مناسبات و روابط اجتماعی جوانان دارد که خود این مسئله در تقویت روابط جوانان با همسالان و پناه جستن به همسالان

به‌مثابه گروه مرجع منفی و ترغیب جوانان به روابط با جنس مخالف به‌مثابه یک سازوکار جبرانی سهیم است. بر این اساس، تدوین برنامه جامع در سطوح خانوادگی، اجتماعی و فرهنگی با هدف پذیرش جوانان به‌مثابه یک واقعیت اجتماعی و تقویت فضای مفاهمه و همدلی بین نسلی در خانواده‌ها ضرورت دارد.

عمده شدن مقوله انگیزه‌های جنسی به‌مثابه یکی از زمینه‌های علی ارتباط با جنس مخالف، با تأخر و به تعویق افتادن سن ازدواج جوانان در ارتباط است. با نظر به اهمیت ازدواج و تشکیل خانواده به‌مثابه یکی از مجراهای دوری جستن از انزوای اجتماعی و تقویت همبستگی اجتماعی و تأکید والای ارزش‌های مذهبی در باب ازدواج و تشکیل خانواده و با توجه به افزایش نسبت افراد واجدالشرایط برای ازدواج در جمعیت کنونی کشور، ضرورت دارد تا زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مروج ازدواج آسان و به موقع، مهیا شود و به فعلیت درآید.

فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی سهم بالایی در مصرف فرهنگی و فراغتی جوانان داشته و بر ذوق، سلیقه، نیازهای ارتباطی و سبک زندگی جوانان تأثیر بسزایی دارند. مجاری نوین ارتباطی و اطلاعاتی از طریق ترویج نسبیت اخلاقی و ارزشی و حسی نمودن جامعه در عادی و طبیعی جلوه دادن مناسبات خلاف عرف سهیم‌اند. در همین راستا ضرورت دارد با بازنمایی علایق و ذائقه‌های نسل جوان در برنامه‌های شبکه‌های داخلی، زمینه‌های بهره‌گیری جوانان از شبکه‌های ماهواره‌ای تعدیل شود. همچنین با به‌کارگیری شیوه‌های نوین و طراحی برنامه‌هایی با رویکرد علمی و عملی، نسل جوان را از ابعاد و زوایای پیدا و نهان و پیامدهای مخاطره‌آمیز روابط نامتعارف آگاه نمود. در این میان نمی‌توان از نقش و جایگاه محرکات جنسی به‌مثابه زمینه تسهیل‌گر غفلت ورزید. تأکید مصاحبه‌شوندگان بر رواج محرکات جنسی مؤید نا امن و آسیب‌زا شدن فضا و عرصه‌های عمومی است. نحوه مدیریت بدن و نمایش خود در عرصه‌های عمومی که تسهیل‌گر نگاه‌های شهوت‌آمیز، تنه زدن در خیابان، متلک‌ها و الفاظ رکیک، تغییر سبک پوششی، عینیت‌یافتگی روابط نامتعارف در کافی‌شاپ‌ها، پاساژها، پارک‌ها و مراکز دانشگاهی است، مدیریت هوشمندانه و عالمانه عرصه‌های عمومی را طلب می‌کند. در این میان ضرورت دارد تا تهمیداتی اندیشیده شود تا نوعی حساسیت عمومی نسبت به عینیت‌یافتگی و عادی شدن روابط نامتعارف در فضاهای عمومی تقویت شود و از امر آشنا، آشنای‌دایی شود.

منابع

۱. اشتراس، انسلم و جولیت کربین. (۱۳۹۱). مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای. ابراهیم افشار. تهران: نشر نی.
۲. اسکیدمور، ویلیام. (۱۳۸۵). تفکر نظری در جامعه‌شناسی. محمد حاضری و دیگران. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۳. اینگلهارت، رونالد. (۱۳۸۲). تحول فرهنگی در جامعه صنعتی پیشرفته. مریم وتر. تهران: کویر.
۴. آزادارمکی، تقی. (۱۳۸۶). نظریه‌های جامعه‌شناسی. تهران: سروش.
۵. آزادارمکی، تقی و محمدحسین شریفی‌ساعی. (۱۳۹۰). تبیین جامعه‌شناختی روابط جنسی آنومیک در ایران. جامعه‌پژوهی فرهنگی. سال دوم. شماره ۲.
۶. آزادارمکی، تقی؛ محمدحسین شریفی‌ساعی؛ مریم ایتاری و سحر طالبی. (۱۳۹۰). سنخ‌شناسی الگوهای روابط جنسی پیش از ازدواج در ایران. جامعه‌پژوهی فرهنگی. سال دوم. شماره ۲.
۷. باومن، زیگمونت. (۱۳۸۴). عشق سیال؛ در باب ناپایداری پیوندهای انسانی. عرفان ثابتی. تهران: نشر ققنوس.
۸. باومن، زیگمونت. (۱۳۸۷). اشارت‌های پست مدرنیته. حسن چاوشیان. تهران: ققنوس.
۹. بنیامین، والتر. (۱۳۷۷). درباره برخی از مضامین و دستمایه‌های شعر بودلر. مراد فرهادپور. ارغنون. شماره ۱۴.
۱۰. خلیج‌آبادی‌فراهانی، فریده. (۱۳۹۱). تأثیر معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج بر احتمال طلاق در بین افراد تحصیلکرده دانشگاهی. مطالعات راهبردی زنان. شماره ۵۸.
۱۱. خلیج‌آبادی‌فراهانی، فریده و امیرهوشنگ مهریار. (۱۳۸۹). بررسی نقش خانواده در ارتباط با جنس مخالف در دختران دانشجو در تهران. فصلنامه خانواده‌پژوهی. شماره ۲۴.
۱۲. خلیج‌آبادی‌فراهانی، فریده؛ شهلا کاظمی‌پور و علی رحیمی. (۱۳۹۲). بررسی معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج بر سن و تمایل به ازدواج در دانشجویان شهر تهران. فصلنامه خانواده‌پژوهی. شماره ۳۳.
۱۳. دل‌آور، مریم‌السادات و حبیب‌احمدی. (۱۳۹۱). رابطه استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی بر میزان رابطه با جنس مخالف. مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد. شماره ۲.
۱۴. رفاهی، ژاله؛ محمود گودرزی و مرتضی میرزایی چهارراهی. (۱۳۹۱). بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری رابطه دوستی پیش از ازدواج بین دختران و پسران دانشجو. فصلنامه جامعه‌شناسی زنان. شماره ۱.
۱۵. ریتزر، جرج. (۱۳۸۵). نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر. محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی.

۱۶. زارع‌شاه‌آبادی، اکبر و زکیه سلیمانی. (۱۳۹۱). بررسی عوامل مرتبط با گرایش دانشجویان به روابط پیش از ازدواج در دانشگاه یزد. *فصلنامه رفاه اجتماعی*. سال دوازدهم. شماره ۴۵.
۱۷. ساوج، مایک و الن وارد. (۱۳۸۷). *جامعه‌شناسی شهری*. ابوالقاسم پوررضا. تهران: سمت.
۱۸. سیدان فریبا و نرگس نجفی‌نژاد. (۱۳۹۱). بررسی عوامل مؤثر بر نگرش دختران نسبت به روابط با جنس مخالف. *مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد*. شماره ۱.
۱۹. فتحی، منصور؛ حسین فکرآزاد؛ غلام‌رضا غفاری و جعفر بوالهروی. (۱۳۹۲). عوامل زمینه‌ساز بی‌وفایی زناشویی زنان. *فصلنامه رفاه اجتماعی*. شماره ۵۱.
۲۰. کوزر، لوئیس و برنارد روزنبرگ. (۱۳۸۷). *نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی*. فرهنگ ارشاد. تهران: نشر نی.
۲۱. گیدنز، آتوننی. (۱۳۸۹). *جامعه‌شناسی*. حسن چاوشیان. تهران: نشر نی.
۲۲. محمدپور، احمد؛ جلیل کریمی؛ مهدی علیزاده و ابوبکر شریعت‌پناه. (۱۳۹۳). تأثیر عوامل فردی - محیطی بر پایداری به شیوه‌های ازدواج. *جامعه‌شناسی کاربردی*. شماره ۵۳.
۲۳. محمدی، جمال؛ ابوعلی دادهیر و فردین محمدی. (۱۳۹۱). مناسبات سرمایه فرهنگی و سبک زندگی: پیمایشی در میان شهروندان طبقه متوسط شهر سنج. *مجله جامعه‌شناسی ایران*. شماره ۴.
۲۴. موحد، مجید؛ حلیمه عنایت و محمدتقی عباسی شوازی. (۱۳۸۵). بررسی رابطه عوامل اجتماعی و فرهنگی با نگرش دانشجویان نسبت به معاشرت و دوستی دختر و پسر پیش از ازدواج. *مجله علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه شیراز*. شماره ۲.
۲۵. نایی، هوشنگ و ستار محمدی تلور. (۱۳۹۲). تأثیر سبک زندگی بر هویت اجتماعی (مطالعه تجربی جوانان شهر سنج). *مجله جامعه‌شناسی ایران*. شماره ۱۵۲.
۲۶. نیازی، محسن و لیلا پرنیان. (۱۳۹۳). سنخ‌بندی‌های دوستی بین دو جنس؛ مطالعه موردی دختران جوان شهر کرمانشاه. *فصلنامه زن در توسعه و سیاست*. شماره ۴.

27. Alexander, M.; L. Grade; S. Kanade; J. Shireen. & G. Bela. (2006). Romance and Sex: Premarital Partnership Jormation among Young Women and Men, Pune District. India. *Re-productive Health Matters*. 14: 144-155.
28. Brown, S. L; L.A. Sanchez; S. L. Nock. & J. D. Wright. (2006). Links between Premarital Cohabitation and Subsequent Marital Quality, Stability, and Divorce: A Comparison of Covenant Versus Standard Marriages. *Social Science Research*. 35: 456-470.
29. Chiao, C. (2010). Community Context and the Prevalence of Premarital Sex among Young Women in Keniya and the Phillippines: Trends and Differences 1993 to 2003. *Health and Place*. 16: 512- 522.
30. Cohen, J. & W. Manning. (2010). The Relationship Context of Premarital Cohabitation. *Social Science Research*. 39: 766-776.
31. Eaves, D. Y. (2001). A Synthesis Technique for Grounded Theory Data Analysis. *Methodological Issues in Nursing Research*. *Blackwell Science LTD*: 654- 633.
32. Ghani, S; S. Abdolla; M. Sharifah. & S. Nordin. (2014). Muslim Adulscents Moral Value

- and Coping Strategy among Muslim Femal Adolescent in Premarital Sex. *Procedia – Social and Behaviaorial Sciences*. 114: 427-433.
33. Glaser, B. G. & A. L. Strauss. (1967). *The Discovery of Grounded Theory: Strategies for Qualitive Research*. Aldintransaction a Division of Transaction Publishers: New Brunswick and London.
34. Neuman, W. L. (1997). *Social Research Methods: Qualitative and Quantitative Ap-proaches*. Boston: Allyn and Bacon.
35. Neuman, W. L. (2006). *Basic of Social Research; Qualitive and Quantitative Approach*. Second Edition. London: Allyan & Bacon.
36. Rintala, M. T; E. Paarilainen. & T. P. Asted. (2014). Challngea in Combing Different Data Sets During Analysis When Using Grounded Theory. *Nurser Researcher*. 5: 14-18.
37. Wie, G. Z.; Y. Q. Wn. & X. Z. Chen. (2012). The Timing of Sexual among Chinese Youth. *International Perspective on Sexual and Reproductive Health*: 196- 204.